

نغمه صفرزاده*

بهرام احمدی**

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۰

بررسی تصویر فرشتگان در نقاشی دوره قاجار

چکیده

موضوع خیر و شر که همواره ذهن بشر را به خود مشغول کرده تاکنون به صورت‌های مختلفی مصور شده است اما در این میان مهمترین مظهر و نماد خیر تصویر فرشتگان بوده و در موضوع‌های اساطیری، حماسی، مذهبی و عامیانه قبل و بعد از اسلام کاربرد فراوان داشته است. تصویر فرشتگان در طول زمان دستخوش تغییرات متعدد بصری شده است. این تغییر در سیر تکاملی هنر ایرانی از پیش از اسلام آغاز و تا دوره اسلامی ادامه داشته است. با ترویج گستره مذهب شیعه در دوره صفوی شاهد ترویج تصاویر مذهبی در هنر نقاشی هستیم. در تداوم آن با رونق نقاشی‌های مذهبی در دوره قاجار، تصویر فرشتگان در عرصه‌های مختلف کاربردهای متعددی پیدا کرد. این تصاویر برای بیان مفاهیم مذهبی مورد استفاده نقاشان مشهور بوده است. علیرغم تغییرات و دگرگونی‌های متعدد بصری نقاشی ایرانی، تصویر فرشتگان، در طول تاریخ هنر ایران، همواره خصوصیات تصویری و روحیات معنوی خود حفظ کرده است. در دوره قاجار رویکرد جدیدی را در ماهیت معنوی و بصری تصویر فرشتگان در نقاشی ایرانی شاهد هستیم. این مقاله با رویکردی کیفی و به روش توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و بررسی نمونه‌های تصاویر بازمانده از نقاشی‌های فرشتگان، به چگونگی ویژگی‌های بصری و سیر تحول نقاشی فرشتگان در دوره قاجار می‌پردازد.

کلید واژه:

هنر قاجار

فرشتگان

نقاشی

تصویرگری

ایران.

نویسنده مسئول، کارشناس ارشد ارتباط تصویری دانشگاه آزاد واحد یزد*

Safarzadeh.art@gmail.com

استادیار، عضو هیات علمی دانشگاه یزد**

bah_ahmadi@yahoo.com

مقدمه

با توجه به شرایط خاص سیاسی، اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و روابط بین‌المللی ایران با کشورهای غربی در دوره قاجار، هنر این دوره از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. رواج نسخه‌ها و نقاشی‌های اروپاییان در ایران و همچنین رفت و آمد شاهان و درباریان و فرستادن هنرمندان ایرانی برای یادگیری فنون و شیوه‌های رایج در هنر غرب، به ممالک غربی و شیفتگی آنان به هنر نقاشی غرب، در اواخر دوره قاجار، زمینه‌ساز تغییراتی متفاوت با گذشته در هنر ایران شد. تغییراتی که آهنگ آن (خصوصاً در شکل فرشتگان) تا دوره صفوی همواره ثابت و آرام بود در دوره قاجار به‌طور آشکار و محسوس ساختار تصویری و مفهومی فرشتگان را به چالش کشاند و تصاویری متفاوت از قبل از آنان ارائه شد. با شروع دوره قاجار به وضوح شاهد تغییر بینش و نگرش هنرمندان هستیم. برای مثال در نقاشی فرشتگان آثار محمد زمان شاهد حضور فرشتگانی هستیم که تا پیش از آن در هیچ‌گونه از نگارگری‌های ایرانی مشاهده نشده بود. فرشتگانی با وجوهی انسانی و زمینی که در هنر تصویرسازی ایران سابقه‌ای نداشته و به یکباره ظاهر شده اند. فرشتگانی که پیداست از حالت ملکوت و آسمانی بودن آن‌ها تا مقدار زیادی کاسته شده است. گویی اینان فرشتگانی هستند که زندگی روزانه خود را در زمین همراه با انسان‌ها سپری می‌کنند نه در آسمان‌ها، گمان می‌شود که به تصویر در آمدن این نوع فرشتگان در دوره قاجار، دلایل گوناگون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... دارد. در نقاشی فرشتگان کودک سال نیز نوع پوشش و نوع بال‌ها و چهره‌ها دستخوش تغییر شده است. به نظر می‌رسد یکی از علل متفاوت شدن تصاویر فرشتگان در دوره قاجار اوج‌گیری فرنگی‌سازی باشد.

با توجه به تغییرات گفته شده و وجود فرشتگانی متفاوت از جمله فرشتگان کودک با ظاهری متفاوت در دوره قاجاری در این مقاله سعی خواهد شد تا ویژگی‌های بصری و شکلی فرشته در آثار نقاشی این دوره ارزیابی و تحلیل شود.

طرح مسئله

فرشته موضوعی است که همواره ذهن بشر را به خود مشغول داشته و به خصوص در خلق آثار هنری و تجسم بخشی از امور معنوی و غیر شهودی مورد کنکاش قلبی هنرمندان قرار گرفته و در آثار متعددی جلوه نموده است. حضور فرشته را عموماً در نقاشی‌ها و تصاویر بدست آمده در داستان‌هایی می‌بینیم که معنویت محور اصلی آن بوده است در این‌گونه داستان‌ها شاهد تصویری از فرشتگان متفاوت و رنگارنگ هستیم. فرشتگانی که در گذر زمان در یک موضوع دینی تغییر و تحول نموده و با اسلاف خود متفاوت شده است. در این مقاله تلاش بر این است به عوامل موثر تغییر شکل فرشتگان در دوره قاجار پرداخته شود. سؤالات این تحقیق بدین شرح است: ۱- آیا می‌توان تصویر فرشتگان در نقاشی‌های قاجار را تحت تأثیر نقاشی‌های اروپا دانست؟ ۲- آیا حضور برخی از فرشتگان با ظاهری جدید در دوره قاجار را می‌توان در گذشته هنری ایران جستجو کرد؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌ها، کتب و مقالات بسیاری از هنر نقاشی و تصویرسازی ایران در مکاتب مختلف هنری، از جمله هنر قاجار موجود است. از جمله برجسته‌ترین کتاب در این باره با عنوان «تصویرسازی

داستانی در کتاب‌های چاپ سنگی فارسی» نوشته اولریش مارزلف است. مقاله‌ای نیز با عنوان «فرشته و دیو در آثار چاپ سنگی قاجار» از طاهر موسوی و محمد خزائی و نیز مقاله «پژوهشی پیرامون تصویر فرشتگان در نقاشی دوران قاجار» از اصغر کفشجیان مقدم و سمیه علیپور چاپ شده که در انتخاب مسیر و روش پژوهش راه‌گشا بوده‌اند.

پس از مطالعه، نقد و بررسی مقالات و پژوهش‌های موجود در این حوزه، مشخص گردید که، بسیاری از منابع موجود موضوع فرشته را به صورت کلی بررسی نموده و با پژوهش‌های جزئی در باره تصویر فرشتگان کمتر مواجه هستیم. از این رو پژوهنده سعی نموده، تا با تحلیل و بررسی ویژگی‌های تصویری فرشتگان از نسخه‌های به جا مانده نقاشی قاجار، به پاسخ پرسش‌های مطرح شده بپردازد.

فرضیه

با توجه به گسترش روابط تجاری، فرهنگی و سیاسی کشورهای اروپایی و ایران در دوره قاجار، گمان می‌شود سبک اروپایی خصوصاً فرنگی‌سازی که در این دوره رونق یافت بر نقش‌مایه‌های نقاشی ایرانی از جمله مصورسازی فرشتگان و شیوه رنگ‌آمیزی آن‌ها تأثیرگذار بوده است.

روش تحقیق

این مقاله کوشیده است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای-مقالات چاپی و بررسی نمونه‌های نقاشی‌های فرشتگان بازمانده از دوره قاجار به پژوهش در این موضوع بپردازد.

جایگاه فرشتگان در ادیان الهی

فرشتگان موجوداتی فرا انسانی پنداشته می‌شوند که در بسیاری از ادیان درباره آن‌ها سخن‌های بسیاری گفته شده است. اعتقاد به فرشته یا موجودی بسان فرشته در تمامی سنت‌های دینی جهان وجود دارد. در مسیحیت و اسلام نیز این نظریه پابرجاست. سرشت فرشتگان و امور مرتبط با آنان در ادیان و سنن مختلف، متفاوت است. در آیین یهود، مسیحیت و اسلام، فرشتگان معمولاً به عنوان پیام‌آوران از سوی خدا عمل می‌کنند. آنان همچنین گاهی نقش‌های جنگجو و نگهبان را به عهده دارند فرشتگان در پیش از ادیان نیز همواره حضور داشته‌اند. چنان‌که در دین زرتشت در ایران امشاسپندان^۱ (مزدیسنا) با فرشتگان قابل مقایسه‌اند.

به همین علت، جهت شناخت شیوه نگرش هنرمندان به موضوع فرشتگان و چگونگی تصویرگری آن‌ها نیاز است به منابع دینی-اسلامی و به خصوص قرآن و احادیث مراجعه شود. علاوه بر این به علت امتزاج و گاهی التقاط اسطوره و آیین‌های فرهنگی-بومی باستانی ایرانیان با بعضی از مناسک و آیین‌های اسلامی، شناخت مفهوم فرشته در فرهنگ پیش از اسلام و دوران اسلامی نیز ضروری می‌نماید. زیرا هر چند «با مسلمان شدن ایرانیان بسیاری از مظاهر دین زرتشتی از بین رفت، اما ریشه‌های آن فرهنگ در میان ایرانیان باقی ماند» (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۴۸-۳۳). این که در روایات اسلامی، برای ملائکه صورت و هیأت جسمانی ذکر شده از باب تمثیل است و منظور این بوده که فلان فرشته طوری است که اگر اوصافش با طرحی نشان داده شود به این هیأت در می‌آید. تعابیر دیگر در باره فرشتگان این است که آن‌ها غذا نمی‌خورند و نمی‌آشامند و قوت و غذای آن‌ها ذکر و تسبیح و تقدیس و عبادت خداوند است و چون موجوداتی جسمانی نیستند، مانند انسان خواب ندارند. فرشتگان کمالی مافوق کمال تکلم دارند و مراد خود را با القائات قلبی به مخاطب می‌رسانند. اگر سخن از مکان ملائکه برده می‌شود به این معنا نیست که ایشان هم مانند سایر موجودات عالم ماده، فضا اشغال می‌کنند، بلکه آن‌ها موجوداتی مجرد

برزخی و غیرمادی‌اند، اطلاق جناح و بال برای فرشته در حقیقت استعاره از سرعت اطاعت و قوت و شدت در انجام کار است تعدد و کثرت بال‌ها استعاره از مافوق زمینی و آسمانی بودن فرشتگان و جهات مختلف مرتبه و مقام آن‌هاست.

ترسیم فرشتگان به صورت مونث

«در اغلب تصاویر نگارگری و نقاشی، فرشتگان به صورت مونث ترسیم شده‌اند. این پندار ممکن است از اینجا سرچشمه گرفته باشد که فرشتگان چون زنان، غالباً نادیدنی و در پرده و مستورند. حتی در بعضی موارد مؤنث‌های مجازی در لغت عرب نیز به این معنی دیده می‌شوند. خورشید را مؤنث مجازی می‌دانند و ماه را مذکر چرا که قرص خورشید معمولاً در میان امواج نور خود پوشیده است و نگاه کردن آن به آسانی ممکن نیست ولی قرص ماه چنین نیست. یا اینکه لطافت وجود فرشتگان سبب شده که آن‌ها را هم از جنس زنان که نسبت به مردان موجودات لطیف‌تری هستند بدانند. این گمان نیز وجود دارد که چون حورالعین نام زنان بهشتی است فرشتگان نیز زن باشند. قرآن کریم، مؤنث بودن فرشتگان را صراحتاً رد می‌کند. در نتیجه حوریان موجوداتی هستند مخصوص بهشت و بهشتیان، که نه فرشته‌اند و نه از جن و نه انسان». (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸: ۳۰).

«البته بعد از مبارزه اسلام با این تفکر خرافی، باز هم هنگامی که می‌خواهند زنی را به خوبی توصیف کنند، می‌گویند او یک فرشته است، ولی در مورد مردان کمتر این تعبیر به کار می‌رود. لذا کلمه فرشته نیز نامی است که برای زنان انتخاب می‌کنند». (رجالی تهرانی، ۱۳۷۸: ۶۶).

تحولات نقاشی در دوره قاجار

«ریشه‌های هنری دوره قاجار را باید در انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان ۱۰۰۹ ه.ق / ۱۶۰۰ م و سلطنت شاه عباس بزرگ جستجو کرد. در این زمان است که روابط بازرگانی و سیاسی با کشورهای اروپایی آغاز گشته بود به اوج خود رسید. و همین امر موجب تحول در جهان بینی نگارگران از یک دیدگاه ملکوتی و معنوی به یک پایگاه زمینی و مادی شد. روند تحولی هنر نیز جدای از شرایط اجتماعی حاکم نبوده است». (ذکاء، ۱۳۵۶: ۳۹)

«رفت و آمد اروپاییان و همچنین سفر ایرانیان برای ادامه تحصیل به اروپا زمینه تأثیر هنر اروپایی بر هنر ایرانی را فراهم کرد. هم پیمانی شاه عباس با اروپاییان برای جلوگیری از هجوم ترکان عثمانی موجب گسترش چشمگیر فعالیت‌های بازرگانی و به تبع آن، فعالیت‌های فرهنگی آنان شد. در واقع حضور اروپاییان و هنرمندان مغرب زمین در ایران عصر صفوی و شروع فعالیت چاپخانه و چاپ کتاب‌های مصور اروپاییان، از مهمترین عوامل تأثیرپذیری هنر ایرانی از هنر اروپایی است. از جمله این تأثیرات، به تصویر کشیدن بدن‌های نیمه‌عریان است چیزی که در کار اروپاییان فراوان یافت می‌شد توسط هنرمند ایرانی در این دوره مرسوم شد. تغییر رویکرد هنرمندان مسلمان اواخر دوره صفوی به موضوعاتی که در دوره‌های قبل به هیچ وجه یافت نمی‌شد یکی از تأثیرات آشکار در این برهه زمانی است. همچنین انتخاب صحنه‌های واقعی و روزمره در نقاشی حادثه‌ای جدید به شمار می‌رود. تأثیرگذاری تصویرسازی‌های اروپاییان به گونه‌ای شد که برخی از تابلوهای کار شده توسط هنرمندان مطرح از جمله محمد زمان، میر افضل، رضا عباسی، محمد علی، معین مصور، محمد قاسم، و... از نظر موضوعی و جنبه تصویری کاملاً بر گرفته از کارهای اروپایی شد» (فدوی، ۱۳۸۶: ۸۰-۷۶). در نقاشی‌های این هنرمندان می‌توان تقلیدی از آثار اروپایی و نقاشان دوره رنسانس را در به کارگیری نوع فیگور و حالت عریان نمایش دادن بدن و همچنین ترسیم نوعی از فرشته برهنه (کوپیدو)^۴ را بدون هیچ‌گونه تغییری



تصویر ۱- تابلو ذبح اسماعیل (ع)، رنگ و روغن بر روی بوم
نقاش محمد زمان، ۱۰۵۹ ه. اواخر دوره صفوی. سده ۱۷

به راحتی شاهد بود. از این رو می توان شاهد نفوذ این گونه از تأثیرات هنر نقاشی صفوی در نقاشی دوره قاجار نیز بود.

«با سلطنت شاه سلیمان صفوی ۱۰۷۷-۱۱۰۵ ه. ش فرو پاشی سلسله صفوی آغاز شد بین سال های ۱۱۳۵- ۱۰۴۰ ه. ش. دو جریان اصلی سرمشق هنرمندان ایرانی قرار گرفت، نگاره های رضا عباسی و آثار اروپایی. بعد از کناره گیری شاه از سلطنت و هرج و مرج در کشور، نادر شاه و پس از او کریم خان زند سلطنت را به دست گرفتند. در تمامی این دوران هنر به بالاترین نقطه افول خود رسید. پس از مرگ کریم خان زند آقا محمدخان پس از جنگ های فراوان سلسله زندیه را شکست داد و در سال ۱۱۹۵ ه. ش به پادشاهی حکومت قاجار رسید» (فدوی، ۱۳۸۶، ۷۶). ایران در زمان این دودمان با دنیای غرب آشنا گردید. هنرمندانی بنام همچون «میرزا ابو الحسن غفاری، ملقب به صنیع الملک نگارگر و گرافیسیت سده سیزدهم هجری، شاگرد نقاش معروف آن دوران، مهر علی اصفهانی است، ابوالحسن خان از جمله هنرمندان بنام دوره قاجار بود». (ذکاء، ۱۳۸۲، ۱۹) «وی بنابر تمایلی که برای پیشرفت و تکامل هنر خود داشت در اواخر سلطنت محمد شاه قاجار به ایتالیا رفت و با مشاهده آثار نقاشان بزرگ اروپایی به ویژه دوره رنسانس با شیوه کار آنان آشنا شد. او مدتی در ایتالیا ماند و در هنرستان ها و موزه های رم، فلورانس و واتیکان به تحصیل و مطالعه و نسخه برداری از تابلوهای هنرمندان ایتالیایی پرداخت» (پاکباز، ۱۳۸۰، ۱۵۸).



« صنیع الملک هنوز در ایتالیا بود که محمدشاه جانشین فتحعلی شاه قاجار شد. زمانی که وی به ایران بازگشت دوسال از سلطنت ناصرالدین شاه گذشته بود. چنان که در بازگشت مقداری وسایل نقاشی، باسمه های رنگی و گراورهای فراوان اساتید اروپایی با خود آورد که بعدها در تکمیل هنرستان نقاشی، که خود مؤسس آن بود مورد استفاده قرار گرفت» (ذکاء، ۱۳۷۸، ۵۵۳). «صنیع الملک همواره تلاش داشت تا نقاشی های واقع گرایانه خویش را از ترکیب عناصر خارجی و ایرانی تولید کند و این ویژگی خاص و بیان ایرانی همیشه در آثارش غالب بوده است. وی توانسته سبکی متوازن و پیراسته در جهت طرح و رنگ و پای بندی به ارزش های فرهنگی ایرانی به وجود آورد» (علیزاده، ۱۳۹۱، ۷۵).

« هر چند که میراث صنیع الملک و استفاده از طبیعت نگاری در هنر ایران تا سال ها باقی ماند، اما گرایش به هنر غرب در نمایش واقع گرایی، شبیه سازی و شخصیت پردازی ظاهری چهره ها در میان هنرمندان و حامیان هنر قاجار فزونی گرفت و تا آن جا پیش رفت که هنرمندی دیگر به نام محمد غفاری ملقب به (کمال الملک) پس از بازگشت از فرنگ و تمایل شاه به روند فرنگی سازی، طبیعت گرایی غربی را در نقاشی ایران به پیش برد» (تاجبخش، ۱۳۸۲، ۱۴).

وی گفته بود: «من طبعاً مایل به ناتورالیسم بوده ام. در اوایل عمر که عکس های اساتید را می دیده ام خیلی فریفته رافائل^۵ بودم. بعدها در صنعت ورزیده تر شدم تمایل زیاد به رامبرانت^۶ پیدا کردم. می توانم بگویم در صنعت ایده آل من رامبرانت است، این را هم بگویم که از حیث رنگ آمیزی و مدرسه و سبک همه تقلیدم از اساتید ایتالیا بوده است (یعنی رافائل و امثال آن) و تقلیدم از رامبرانت کم بوده است» (سهیلی خوانساری، ۱۳۶۸: ۱۷۹).

با توجه به آنچه گفته شد، نقاشی قاجار را می توان به دو بخش عمده تقسیم بندی کرد: الف: سنتی ب: اروپایی مآب، گروه نخست، نقاشی های نیمه نخست سده سیزدهم هجری است که تحت تأثیر هنر نقاشی سنتی، به ویژه در دوره فتحعلی شاه قرار داشت، که اوج ابداعات نقاشی و زمان شکل گیری سبک پیکرنگاری درباری بود، این شیوه در زمره آخرین تلاش ها در ادامه

تصویر ۲- قاب آینه، رنگ و روغن بر روی چوب، نقاش محمد اسماعیل، قرن ۱۳ ه. ق، موزه برن، منبع: کتاب جلدها و قلمدان های ایرانی.

سنت نگارگری ایرانی بوده و خصوصیات نقاشی ایرانی را دربر می گرفته است، همچون: طراحی، رنگ گذاری تخت، ایجاد فضای مثالی، پرهیز از رعایت اصول طبیعت نگاری چون پرسپکتیو مقامی، پوشش لباسی قاجار، استفاده از تزیینات، فدا کردن شبیه سازی و شخصیت پردازی در راه میثاق سازی و رعایت الگوهای تصویری نیز از ویژگی هایی است که در این گروه تصاویر دیده می شوند. در بسیاری از نقوشی که به شیوه سنتی و با تأثیر پذیری از اصول نگارگری ایران به وجود آمدند، گرایش هایی به فرنگی سازی نیز به چشم می خورد که از نمونه آن می توان به مصورسازی پیکرها در لباس های اروپایی اشاره کرد. (صمدی، ۱۳۸۸: ۲۷).

تحولات تصویر فرشتگان دوره قاجار

دین اسلام با ورود خود، مضامین، داستان ها و نگرش های جدیدی به ایران آورد. این نگرش و دین جدید باعث شد، شخصیت های غیر انسانی، اعم از مثبت و منفی، هویت جدیدی برای خود رقم بزنند. فرشته و ایزد به ملک تغییر نام یافت و ملائکه ای چون جبرئیل و میکائیل و عزرائیل و اسرافیل ... به ظهور رسیدند. هرگاه سخن از فرشته می شود، موجودی با مشخصات ظاهری انسان به همراه بال هایی که از پشت آن روییده در ذهن نقش می بندد. در متون و روایات کهن شاهد وجود بال هم در دیوان و هم در فرشتگان هستیم، این به معنی آن است که بال مظهر پاکی و قداست نیست، بلکه نشانه ای موجودی ورامادی است.

در دوره قاجار بیشترین حضور فرشتگان در صحنه های مسیحی دیده می شود. پس از آن شمایل ها مهم ترین صحنه های حضور فرشتگان هستند. این نکته نشان گر آن است که موضوع حضور فرشتگان در صحنه های معراج و بهشت به صحنه هایی جدید تغییر یافته اند، تصاویری که سابقه ای طولانی در نقاشی ایرانی نداشته اند. سابقه حضور صحنه های مسیحی را می توان در آثار محمد زمان و فرنگی سازان پیگیری نمود. (پاکباز، ۱۳۷۸: ۵۱).

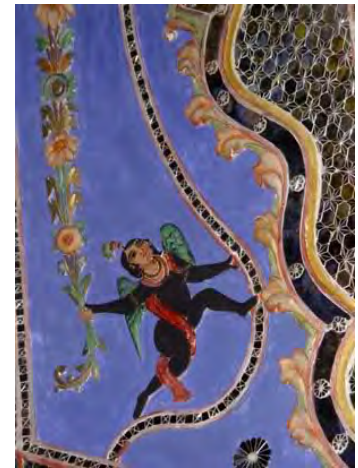
در مجموع می توان گفت تکرار فرشتگان در یک نگاره صفوی بسیار بیشتر از یک نقاشی دوره قاجار است. همچنین غنای رنگی و تعدد میزان استفاده از رنگ ها نیز نسبت به دوران قبل یعنی صفویه به شدت کاهش یافت. شواهد این مدعا چگونگی رنگ آمیزی پرده های نقاشی بال فرشتگان است. بال های تک رنگ و ترکیبات قهوه ای و سبز صدی بیشترین استفاده را در پرده نقاشی ها داشته است. از خصوصیات و ویژگی تصویری فرشتگان این دوره عنصر بال آن هاست. بال ها کوچکتر از پیکره فرشتگان شده و حالت نرم تری پیدا کرده و خشکی و تیزی لبه ها و نوک پرها نسبت به دوره صفوی کم تر شده است. تشابه بال های فرشتگان این دوره به بال های طبیعی و واقعی پرندگان نزدیک تر شده است. تکه بال ها، از دو، سه و چهار قطعه فراتر می روند به عکس دوره قبل یعنی دوران صفوی که شکل بال فرشتگان اغلب نخلی شکل و با رنگ های متنوع است. در دوره قاجار با نفوذ هنر غربی، فرشتگان تغییر شکل یافته و بال ها از شیوه سنتی فراتر رفتند و شکل بال ها، همانند بال فرشتگان غربی به صورت واقعی تر ترسیم شد، به طوری که به نظر می رسد الهام گرفتن از بال های سوزنی شکل پرندگان باعث ترسیم بیشتر این نوع بال در نگاره های این دوره شده است. رنگ بال ها نیز به یک و یا دو رنگ تنزل پیدا کرد. در مجموع، استفاده از رنگ های سبز زیتونی و قهوه ای در بال ها عمومیت بیشتری یافته است.

ویژگی تصویر فرشتگان در نقاشی قاجار

نقاشی البسه و نحوه پوشش فرشتگان دوره قاجار و شیوه پرداخت پارچه آن ها نمایانگر جامه های اروپایی است، به عبارت دیگر برداشت نقاشان ایرانی دوره قاجار از جامه های اروپایی

تصویر ۴-

نقاشی قاب آینه کاری، نقاشی یکی از خانه های قاجاری، نقاش: نامشخص. بیکر فرشته توسط میراث فرهنگی رنگ آمیزی شده است.



تصویر ۴- قاب آینه، رنگ و روغن بر روی چوب، نقاش محمد اسماعیل، قرن ۱۳ ه. ق.، موزه برن، منبع: کتاب جلد ها و قلمدان های ایرانی.

است. در دوره‌های گذشته و پیش از نفوذ هنر غرب در هنر ایرانی جامه فرشتگان برگرفته از جامه‌های جامعه معاصر هنرمندان انتخاب می‌شد اما در آثار دوران قاجار فرشتگان لباس‌های اروپایی به تن دارند. این تغییر فرم در تصویر کردن جامه‌ها و سرپوش‌ها موجب شد که تزئینات و فرم‌های ریز نقش سابق از جامه فرشتگان به مرور زمان کمرنگ‌تر گردد. (علیپور، ۹۱: ۱۳).

هم‌چنین هاله تقدس و نورانی که از گذشته بسیار دور، در ایران به گرد سر افراد مهم و شمایل‌های مقدس کشیده می‌شد، در دوره قاجار فقط بر گرد سر ائمه و معصومین (ع) دیده می‌شود بنابراین، هاله تقدس در این دوران از گرداگرد سر فرشتگان رخت می‌بندد.

اگر در نقاشی برجای مانده از فرشتگان دوره قاجار بنگریم، در می‌یابیم که تصویر چهره‌های فرشتگان قاجار به صورت یک‌سان و شبیه به هم نقاشی شده‌اند. چهره‌هایی که از ابتکارات هنرمندان دوران قاجار و از تلفیق سنت‌های ایرانی و غربی نشأت می‌گیرند. چهره‌هایی گرد با چشمانی درشت و کشیده و ابروان به هم پیوسته و پر، لبانی نگارگری شده و کوچک، نگاه‌هایی که به موضوع و سوژه مورد نظر (امامان و شمایل‌های ایشان) خیره مانده‌اند.

ترکیب‌بندی و محل قرارگیری فرشتگان در کادر نقاشی، این دوره متفاوت است. گاه در اثر بر آسمان و بالای کادر، نقاشی شده‌اند و گاه بر میانه کادر و در کنار انسان‌های معمولی حضور دارند. در مواردی نیز در ترکیب‌بندی قرینه‌گونه در کادر چیده شده‌اند و در دو سوی کادر به صورت یکسان تکرار شده‌اند. در مواردی دیگر فرشتگان به عنوان عنصری که پس‌زمینه را پر می‌کنند نقاشی شده‌اند که مورد اخیر کارکردی نوین برای فرشتگان در آثار ایرانی است. در ترکیب‌بندی دیگری می‌توان به قرارگیری دو فرشته مقرب در بالای کادر نقاشی که از سنن تصویری و شمایل‌نگاری‌های مسیحی است اشاره کرد. برخی از فرشتگان در نقاشی‌های قاجار نیز دارای نیم تنه بالایی بوده و نیم تنه پایین آن‌ها در میان انبوه ابرها و یا در آسمان به صورت محو شده پوشیده شده است. ساده‌سازی اینگونه فرشتگان و داشتن سر و دو بال در هنر مسیحی نشان‌گر کروبیان می‌باشد.

دیگر ویژگی‌های تصویر فرشتگان در ترکیب‌بندی نقاشی‌های قاجار استفاده از فن پرسپکتیو است. هنرمند این دوره، برای القای عمق بیشتر در تصویر، جامه و یا دامن هر فرشته را در قسمتی از پیکره زیرین فرشته دیگر، می‌پوشاند، و بدین‌گونه حس پلان‌بندی و جلو و عقب بودن فرشتگان در تصویر را القا می‌کند. از نظر نشان دادن عمق در تصویر، می‌توان لشگرهایی از فرشتگان را در تصاویر این دوران مشاهده کرد با نشان دادن لشگری از فرشتگان و ایجاد ریتمی یک‌سان از آن‌ها هنرمند توانسته القای عمق و پرسپکتیو بیشتری را نشان دهد. مشاهده می‌شود که حتی اگر هم عمقی و پرسپکتیوی در فرشتگان دیده می‌شود به صورت یک نقطه‌ای یاست. در مواردی بسیار فرشتگان دوره قاجار، به صورت معلق ایستاده‌اند و ظرف‌هایی از نور در دست دارند که بر صحنه می‌افشانند تصاویری اینگونه، یادآور همین حالت در آثار دوران پیشین چون تیموری و صفوی، (نگاره معراج حضرت محمد (ص) اثر سلطان محمد نقاش) است. همراه داشتن ظرف‌هایی پر از گل‌ها، میوه‌ها و غیره نیز از همین الگوها پیروی می‌کند. فرشتگان در آثار نقاشی قاجار همانند نگاره‌های پیشینیان، حضوری جاودان در کنار افراد والا مقام مذهبی و مقدسین دارند که یا در گرداگرد صحنه به صورت نشسته و یا ایستاده و در اکثر موارد نیز، حالتی احترام‌آمیز و دست‌هایی بر سینه، ارادت و احترام خود به حاضرین بلند مرتبه را ابراز می‌نمایند. فرشتگان در هنر نقاشی قاجار از لحاظ نوع رابطه و رفتار، تنها با نگاهی سرد، آرام و سنگین با یکدیگر ارتباط داشته و هیچ‌گونه ارتباط جسمی اعم از حرکات دست و ابروان و غیره با یکدیگر ندارند.



تصویر ۵- نقاشی بر روی دیوار یکی از خانه‌های قاجاری با نقش فرشته، مکان: نامشخص.

نقاشان قاجاری همواره مانند نگارگرهای پیشین سعی کرده اند تصویر فرشتگان ارتباطی حداقلی با موضوع و شخصیت اصلی داستان (شمایل‌ها و غیره...) داشته باشد، حتی با کوچک‌ترین بهانه همانند تعارف کردن یک سینی میوه و یا گرفتن فانوسی بر راه پیغمبر، اما بیشترین حالت پیکره فرشتگان در این دوره حالت پرواز و معلق بودن در آسمان و حضور در بالای کادر است تا بر روی به نظر می‌رسد که فرشتگان در این حالت شاهد حادثه‌ایی در حال وقوع هستند.

از نگاه دیگر، در دوره قاجار شاهد فرشتگانی کودک سال هستیم که خصوصیت آن‌ها عریان بودن با بال‌های کوچک است. این فرشتگان اغلب فربه هستند و اندام آن‌ها سنگین به نظر



می‌رسد. خصوصیات این فرشتگان از جمله نشان دادن حجم سه بعدی بدن، نشان دادن عضلات اندامی، که اغلب در ایران برای پوشش شرمگاه از لنگ و پارچه‌ایی به دور کمرشان بهره می‌بردند یادآور هنر رنسانسی و کوپیدو کودک خدای عشق و نیز یادآور الهه پیروزی نیکه^۷ یونانیان باستان می‌باشد. در ایران باستان (ساسانیان) نیز حضور ایزد مونث، آناهیتا را به صورت قرینه در طاق بستان کرمانشاه شاهد هستیم که بیانگر همین نکته‌اند. در باره جثه فرشتگان نیز باید یادآور شد که درست به عکس فرشتگان دوره صفوی، شاهد نوعی فربهی در فرشتگان دوره قاجار هستیم که احتمالاً نشانگر رفاه و بی تحرکی اشرافی در آن زمان باشد. قد و قامت فرشتگان در دوره قاجار نسبتاً کوتاه به تصویر در آمده است.

سمت چپ تصویر ۶-

نقاشی بر روی کاشی در دوره قاجار با نقش فرشته، سر در تکیه معاون الملک، کرمانشاه.

سمت راست تصویر ۷-

شمایل نگاری امام علی (ع)، همراه با فرزندان، مربوط به دوره قاجار، نسخه خطی، نقاش: نامشخص، ماخذ:

www.invaluable.com

نتیجه:

با رسمیت یافتن مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی در دوره صفوی و گسترش روز افزون تصویرگری و نقاشی با محوریت دین اسلام و مذهب شیعه در این برهه از زمان، نقش شمایل‌ها و فرشتگان نیز به وفور در نقاشی‌ها گسترش یافت. از این رو مصورسازی اغلب نقوش فرشتگان حول محور داستان‌های مذهبی است. فرشتگان با شمایل‌هایی چون، جبرئیل، میکائیل، عزرائیل و ... گرداگرد و اطراف شمایل‌های مقدس از پیامبران و معصومین قرار گرفته و هر کدام وظیفه‌ایی خاص بر عهده دارند. در هر دوره در تاریخ هنر ایران فرشتگان با شکل و شمایل و ویژگی‌های تصویری خاص به نمایش در آمده‌اند. در اواخر دوره صفوی شاهد تغییر در بینش و نگرش

هنرمندان و زمینی و مادی شدن فرشتگان در عرصه هنر هستیم، تأثیر تصویرسازی‌های اروپاییان بر نقاشان این دوره به گونه‌ایی شد که برخی از نقاشی‌های ایرانی توسط هنرمندانی چون محمدمزمان، علیقلی جبه‌دار، رضا عباسی و دیگر هنرمندان این عصر کاملاً بر گرفته از آثار اروپایی شد. استفاده از البسه به شیوه‌های اروپایی، نوع رنگ‌آمیزی به کار رفته در آثار، استفاده از سایه‌روشن و واقع‌گرایی، توجه به اصول طبیعت‌گرایی، استفاده مکرر و توجه به نقش انسان در اثر نقاشی، نشان دادن بعد سوم و استفاده محدود از فن پرسپکتیو جوی، تصویر کردن فرشتگان به صورت برهنه و عریان، استفاده مکرر فرشتگان کودک‌سال که ظاهری عریان و فربه داشتند در نقاشی‌ها و کاشی‌کاری‌ها را که می‌توان یادآور الهه عشق یونان کوپیدون و نیز الهه پیروزی یونان باستان نیکه، نمونه‌ای از تأثیر پذیری هنرمندان این دوره از هنرمند غربی است از سوی دیگر رد تأثیرات نقاشی اواخر صفوی را می‌توان در نقاشی‌ها و تصویرسازی‌های فرشتگان قاجار به سهولت یافت. از این رو می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر چه حضور فرشتگان در نقاشی‌های دوران قاجار تأثیرات گوناگونی را از منظر بصری و ساختار تصویری از هنر غرب یادآور می‌شود. اما هنرمند قاجار توانسته است برخی از ویژگی‌های هنرمندان پیشین خود را در اثرش ماندگار نماید. از این رو می‌توان این گونه گفت که هنرمندان دوره قاجار با آشنایی هنر غرب خواسته‌اند تا کاوش‌ها و تجربیاتی نو در عرصه نقاشی را بیامایند و شیوه‌ایی نو در سبک و نوع پرداخت‌های تصویری را به نمایش بگذارند.

پی نوشت:

۱- شش فروزه اهورامزدا هستند که هر کدام دارای مفهومی است که بخشی از عظمت خداوند یکتا را به آدمی می‌شناسانند.

۲- واژه‌های اوستایی است که به معنای مزدآپرستی یا خداپرستی است.

3-Humanism

4-Cupido

5-Raphael

6-Rembrandt

7-nike

منابع:

- احسانی، محمد تقی، ۱۳۶۸، جلدها و قلمدان‌های ایرانی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- بورکهارت، تیتوس، نصر، سید حسین، یونگ، کارل گوستاو، والری، پل، (۱۳۷۰)، جاودانگی و هنر، ترجمه محمد آوینی، انتشارات برگ.
- پاکباز، رویین، (۱۳۷۹)، نقاشی ایرانی از دیرباز تا کنون، تهران، نشر زرین و سیمین.
- تاجبخش، احمد، (۱۳۸۲)، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران (دوره قاجاریه)، چاپ اول، نشر نوید شیراز.
- ذکاء، یحیی، (۱۳۵۴)، نگاهی به نگارگری ایران در سده‌های دوازدهم و سیزدهم، تهران، انتشارات دفتر مقصود.
- ذکاء، یحیی، (۱۳۷۸)، میرزا ابو الحسن خان صنیع الملک غفاری، ایران نامه، ش ۶۷.
- رجالی‌تهرانی، علیرضا (۱۳۷۸)، فرشتگان، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
- سهیلی خوانساری، احمد، (۱۳۶۸)، تهران، نشرکمال هنر.
- شایسته‌فر، مهناز، کیایی، تاجی (۱۳۸۴)، بررسی نمادهای نور و فرشته راهنما یا پیر فرزانه در فرهنگ ایرانی و نگارگری دو دوره تیموری و صفوی، دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۲، بهار و تابستان.
- صمدی، هاجر، (۱۳۸۸)، تصاویر شاهنامه فردوسی به روایت میرزا علی قلی خوبی، تهران، نشر فرهنگستان هنر.
- علیزاده، سیامک، (۱۳۹۱)، بررسی و فن شناسی تحول هنر نقاشی در دوره اول قاجاری، نگره، ش ۲۲.
- علیپور، سمیه، کفشچیان مقدم، اصغر، (۱۳۹۱)، پژوهشی پیرامون تصویر فرشتگان در نقاشی دوران قاجار، تهران، همایش بین‌المللی دین در آینه هنر.

-فدوی، محمد، (۱۳۸۶)، تصویرسازی در عصر صفوی و قاجار، نشر دانشگاه تهران.
-مددپور، محمد، (۱۳۸۰)، آشنایی با آراء متفکران مسلمان درباره‌ی هنر، مباحثی در حکمت و فلسفه‌ی هنر اسلامی، تهران، نشر موسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۸)، تفسیر نمونه (تفسیر و بررسی تازه ای در باره قرآن مجید با در نظر گرفتن نیازها) ج ۱۸، چاپ ششم، قم، انتشارات دارالکتاب اسلام



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی